

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	شناخت مبانی هنرهای تجسمی
۱۸	مبانی هنرهای تجسمی
۱۸	نقطه
۲۱	تأثیر و کاربرد نقطه در لباس
۲۳	خط
۲۴	شکل
۳۰	رنگ مایه (تالیته)
۳۰	رنگ
۳۲	بافت
۳۴	مقیاس
۳۵	جهت
۳۶	بعد سوم
۳۶	حرکت
۳۹	شناخت انواع خط
۴۰	چگونگی پیدایش خط
۴۵	خط راست (مستقیم)
۴۶	خط افقی
۴۷	خط عمودی
۴۸	خط مورب (مایل)
۵۴	خطوط شکسته و منحنی
۵۴	خط شکسته (زیرزاگ)
۵۶	خط منحنی (خمیده)
۵۹	خطوط تجسمی

۶۳	ارتباط خط با سایر عناصر تجسمی
۶۴	خط و شکل
۶۶	ضخامت خط
۶۷	حد و بیرونی خط
۶۷	خط و سطح
۶۹	خط و نمایش عمق
۶۹	خط و بافت
۷۰	خط و نقش و نگار
۷۱	خط و رنگ
۷۳	خط و زمان
۷۴	حرکت و آهنگ خط
۷۵	خط و حرکت
۷۹	خط و ترکیب بندی
۸۳	شناخت کیفیات بصری
۸۶	قواعد طراحی و ترکیب
۸۶	وحدت و تضاد
۸۷	تناسب
۸۸	تعادل و توازن
۸۹	هماهنگی، تنوع و یکنواختی
۸۹	ریتم، حرکت و سکون
۹۱	تاکید و یکنواختی
۹۵	شناخت تاثیر بصری خطوط
۹۶	ویژگی ها و حالات خطوط
۹۷	خطوط متغیر
۹۷	خطوط روان (ریتمیک)
۹۸	خطوط جلوه دهنده، نافذ (تاکیدی)
۱۰۱	تعادل و توازن در لباس
۱۰۸	ترکیب خطوط و خطای باصره
۱۱۵	ارزش های خطی در لباس
۱۱۷	تاثیر برش ها در اندام و لباس
۱۲۹	تاثیر طرح و نقش پارچه در لباس
۱۳۷	طرح های اصلی لباس
۱۳۷	تناسب و تقسیمات طولی در لباس
۱۳۸	تقسیمات افقی
۱۳۸	تقسیمات عمودی

۱۴۱	شناخت رنگ و تأثیر بصری آن در ارائه طرح لباس
۱۴۳	اثرات روانی رنگ‌ها
۱۴۵	رنگ‌های محرک
۱۴۷	انتخاب رنگ لباس
۱۵۰	ارتباط رنگ با افراد
۱۵۱	نوع اندام
۱۵۷	شناخت اندام
۱۵۹	فرم‌های قراردادی مختلف اندام
۱۶۱	شناسایی فرم چهره
۱۶۱	ایزادهای اندامی متداول
۱۶۹	دیگر اجزای لباس و تأثیرات آن بر اندام
۱۷۰	یقه
۱۷۵	ارتباط فرم چهره با شکل یقه
۱۷۵	آستین
۱۷۸	روسری
۱۷۸	دامن
۱۸۲	شلوار
۱۸۵	دیگر موارد مرتبط
۱۸۶	پارچه شناسی
۱۹۱	چه بپوشیم و چه نبپوشیم؟
۱۹۲	کی و کجا بپوشیم
۱۹۸	گزارش کار عملی
۲۰۶	فهرست منابع

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ

زیبایی نخستین ویژگی ای است که در مورد هنر به ذهن خطور می‌کند. هنر کوششی از طرف هنرمند برای آفرینش است. هنر کیفیت ذهن انسان در برابر محسوسات و پدیده‌هاست. هنر امر محسوس را روحانی و امر روحانی را محسوس جلوه می‌دهد. اگر ذهن آدمی بخواهد مطلق را در صورت محسوس به حد کمال دریابد، باید از طبیعت بالاتر رود و خود اعیان زیبا بیافریند. هنر یعنی مجرد شدن و تجرد را احساس کردن؛ یعنی آن روح مطلق ناخودآگاه در انسان به خودآگاهی رسیدن؛ یعنی خود را شناختن و جست‌وجوی خویشتن برای درک خویش و بیان خود.

مبانی هنرهای تجسمی الفبای زیباشناسی است. عناصر بصری (نقطه، خط و...) عوامل بنیادی ساخت مبانی هنرهای تجسمی (ارتباطات بصری)، روش چگونه نگریستن و بازشناسی بیشتر واقعیات جهان و تفکر در احوال طبیعت در جهت دستیابی به شکل‌های تازه و خلاق و بدیع است. ارتباطات بصری رویدادی جهانی است و برخی آن را مترادف با ویژوال دیزاین می‌دانند.

چگونگی ارضای حس زیباشناسی ما کاملاً به چگونگی روابط موجود بین عناصر و شکل‌های تشکیل‌دهنده اثر هنری بستگی دارد. درک زیبایی اشیاء از همبستگی نزدیک ادراک شیء و احساس‌هایی که در ما برمی‌انگیزد ناشی می‌شود.

ویژگی زیباشناسانه همه آثار هنری نسبت‌های صرفاً فرمی اثر، نسبت‌های فضایی و حجم‌های تجسمی آنهاست که این ویژگی هادر تمام آثار هنری ثابت هستند. هنگامی که از فرم معنادار سخن می‌گوییم، مواد مجموعه‌ای از خطوط و رنگ‌ها هستند که در ما انگیزش زیباشناختی ایجاد می‌کنند. مفاهیم از طریق عناصر بصری (نقطه، خط و...) قابل درک و دریافت می‌شوند و هنرمند با انتخاب بعضی از این عناصر بصری و آرایش آنها به گونه‌ای زیبا و خوشایند به خلق اثر هنری می‌پردازد و روابطی زیبا در قالب یک اثر هنری عرضه می‌کند که بازتاب اصل و منشاء بیان آرمانی و شخصی هنرمند و واکنش او نسبت به جهان پیرامون او و زمینه‌های موردعلاقه‌اش است. خط مهم‌ترین عنصر طراحی و بیان‌کننده عواطف و احساسات و نشانگر تفکر و اندیشه و آرمان‌های ذهنی هنرمند است. اندیشه هنرمند و حالات عاطفی طراح با طراحی و نحوه استفاده او از خط درک می‌شود.

خط یکی از قدیمی‌ترین عناصر تجسمی و مهم‌ترین وسیله برای ارتباط است که از قدیمی‌ترین ایام، یعنی از زمان انسان غارنشین تا زمان انسان مدرن کنونی، وجود داشته است. خط شریان زندگی مدرن است. خط قاطع‌ترین عنصر بصری است، زیرا برای همگان آشناست (از طریق نگارش و ترسیم) و صریح و روشن و بدون ابهام است و چشم بیننده را به جهتی معین هدایت می‌کند. خط اساس هر گروه ریتمیک است. خط یکی از ابتدایی‌ترین حرکات برای ایجاد فرم است. خطوطی که بتوانند فرم و حالت را بیان کنند و روی مخاطب خود تأثیر بگذارند پیام خود را می‌رسانند. از نظر زیباشناسی، بخشی مهم از ترکیبی که در آن حرکت، حجم سایه و ساخت وجود دارد همگی روی خط به وجود می‌آید. خط عامل اصلی شکل دهنده ایده‌هاست. خط سریع‌ترین و فوری‌ترین وسیله پیاده کردن فکر و ایده‌آنی طراح است تا مبدأ آن را فراموش نکند. به طور کلی عینیت پدیده‌ها و واقعیت‌های طبیعی با خط تجسم می‌یابد. آثاری که هنرمند با الهام از طبیعت و ذهنیاتش به وجود می‌آورد، مظهر فرهنگ و تمدن و پدیده‌های حاکم بر زندگی است. آنچه هنر و فرهنگ یک مکتب را از آغاز نشان می‌دهد، تنها اعتقادات و نگرش آن به جهان پیرامونش است و هنرمند تمام ویژگی‌های زندگی اعم از مذهبی، اخلاقی و هنری را با خط و نقش بیان می‌کند.

هنر یکی از وسایل مهم و اساسی نگهدارنده مکتب و فرهنگ است. تحولات اجتماعی، اقتصادی و صنعتی سده اخیر ساختار هنرهای تجسمی عصر ما را دگرگون کرده است. تحولات هنری و پیشرفت‌های علمی و صنعتی و شرایط جدید زندگی مدرن معیارهای

جدید زیباشناختی متأثر از و مرتبط با آن زندگی مدرن را به وجود آورده است. هنر با علم پیوند نزدیک تری یافته و از اصول یگانه و عمومی برخوردار شده است. به سبب درک جدید از عالم، مناهیم هنرهای زیبا از محدودیت معیارهای کلاسیک بیرون آمده و صنعت و علم و هنر در جریان واحدی قرار گرفته اند. در نتیجه، هنر مند و صنعتگر عنوان واحدی را به دست آورده اند. کلیه نیروهای مترقی در جهان امروز به دنبال دستیابی به نظم ساختاری نوین در کلیه شئون زندگی انسان معاصر هستند. این نظم ساختاری زمانی محقق می شود که انسان امروزی واقعاً معاصر شود و قادر به ارائه توانایی های ذهنی و فکری خویش باشد. معاصر بودن به شناختی بسیار عمیق از واقعیت های حاکم بر زندگی امروزی نیاز دارد. انسان در طول تاریخ برای بین تفکرات و ذهنیات خویش زبان های مختلفی را به کار گرفته است. زبان تصویر یکی از زنده ترین و گویا ترین زبان هاست.

زبان عامل جداکننده ملت ها از یکدیگر است. حال آنکه زبان تصویری عامل پیوند دهنده آنهاست. همان گونه که هر یک از علوم، زبان و الفبای خاص خود را دارد و با اصول و ضوابط ویژه ای تدوین و تعریف می شود و با معیارهای خاص خود سنجیده و ارزیابی می گردد، دانش هنر نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این تفاوت که در عرصه هنر هیچ قاعده و قانونی مطلق و قطعی و غیر قابل تغییر نیست. زیرا هنر مستقیماً با جریانات روحی و فکری انسان در ارتباط است و آن هم همواره دستخوش تغییر و تحول است.

آفرینش کلیه آثار هنری نیازمند طراحی و ساز ماندگی دقیق عناصر بصری است. نحوه اجرای فنی و گرافیکی یک فکر (اینکه چگونه باید تجسم تصویری پیدا کند و چگونه این تصویر ساده، خلاصه، مختصر و مفید شود و چگونه اجرای دقیق و فنی پیدا کند تا مفهوم موضوع در آن به وضوح آشکار شود) در هنر طراحی بسیار مهم است. هم نشینی خطوط در طراحی و تنفیق آنها با هم در واقع همان دستیابی به هنر طراحی است. در طراحی استفاده از خطوط، فن ضریف و هنر مندانه ای است. قوانین اساسی تکنولوژی طراحی و دوخت لباس بر اصولی منطقی استوار است که طراح و دوزنده لباس باید این اصول و قوانین را کاملاً بیاموزد تا اگر آنها در جایی تغییر کنند، بتواند با نیروی خلاقیت و تصمیم گیری دقیق از عهده کار برآید. این مفهوم و تصور طراحی در طول این قرن پاسخ گوی تغییرات جالب توجه و هیجان انگیزی در شکل طراحی و دوخت لباس بوده است.

پیدا شدن طرح کار بردی با «مد» همیشه روندی دشوار بوده است. این کار بیش از اندازه تحت تأثیر

ایده‌های عجیب و غریب دنیای مد قرار می‌گیرد که ممکن است اصالت پوشش لباس را نیز به کلی از بین ببرد، اما اینها تا حدود زیادی ضروری است. این تفاوت و حتی ایده‌های گوناگون که با شتون پوشاک جامعه عوض می‌شوند مورد نیاز جامعه هستند، زیرا اگر هیچ تغییری در پوشاک انسان به وجود نمی‌آمد، چه بسا زندگی خسته‌کننده می‌شد.

از آغاز پیدایش انسان پوشش برای او مطرح بوده است. سبب اصلی پیدایش لباس محفوظ ماندن (از سرما، گرما و عوامل طبیعی)، عفت، پرهیزکاری، زیبایی و باوقار نمودن است.

از زمان انسان بدوی تاکنون، بشر در فکر تحول سبک پوشش خود و نیز ابتکار در به وجود آوردن تنوع در آن بوده و همواره برای بدیع‌سازی پوشاک خود کوشیده است. انسان کمال‌گرا به کمک سلیقه خود در به کار بردن نقش‌ها و طرح‌ها و با الهام گرفتن از محیط اطراف خود توانست روز به روز با خلق زیبایی‌ها خود را به کمال برساند. در این میان هر هنرمندی از شیوه خاصی بهره‌برد؛ برخی با بازی رنگ‌ها، بعضی دیگر با سوزن‌دوزی طرح‌های سنتی و عده‌ای با برش‌ها. برخی نیز با جنس‌ها و بافت‌های متفاوت به طراحی لباس پرداخته‌اند. انسان برای حفظ شخصیت و ایجاد وقار و آراستگی هنر را به خدمت گرفته و با الهام از محیط و به کارگیری سلیقه خود، از طرح‌ها و نقش‌ها برای هر مراسمی لباسی مخصوص برمی‌سازد. حتی با به کار بردن فنون هنری در طراحی و دوخت لباس‌ها نقاط مثبت تصویر اندام را پررنگ‌تر می‌کند و نقاط منفی را می‌پوشاند و عیوب اندامی را اصلاح می‌کند. مد‌هایی که به اندام‌های کامل و استاندارد وابسته هستند غالباً عمر کوتاهی دارند. طراحی که صرفاً به اندام بی‌عیبی نیاز داشته باشد، عبث فکر می‌کند و موفق نخواهد شد. طراح خوب پیوسته با اندام‌ها و هیكل‌های متفاوتی کار می‌کند و بهترین نتیجه را به بار می‌آورد.

برداشت خطوط و برش آن مهم‌ترین قسمت کار یک طراح است. طراح خوب باید از هنر و قدرت خود استفاده کند، بی‌آنکه نوع ابعاد بدن در طراحی او تأثیر داشته باشد. مفاهیم و اصول اساسی برای تعادل و تناسب خطوط لباس، همان اصولی هستند که در طراحی صندلی یا فنجان جای نیز صادقند. خطوط زشت و بدون قرینه در لباس با نوع ماده به کار رفته تغییر نمی‌کنند.

امادر مورد اندام‌های غیر استاندارد مخصوصاً سایزهای بزرگ، باید گفت که طراح موفق کسی است که بتواند طرح‌های آخرین مد را با صرفه‌جویی اقتصادی، و بدون از بین بردن شکل

صلی آن، در هر سائیزی پیاده کند و ارائه دهد.

طراح لباس باید همچنین کاربرد لباس را در موقعیت‌های مختلف زندگی و اجتماع بداند و بتواند از فنون و تکنیک‌های مختلف تکنولوژی طراحی و دوزندگی جهت طراحی و دوخت انواع لباس‌های روز، عصر، شب، مهمانی، زنانه، بچگانه، مردانه، مدل‌های فانتزی و جذاب استفاده کند. همین‌طور او باید قادر باشد برای محیط کار لباس راحت، برای میهمانی و عروسی‌ها لباس متناسب با شخصیت و زمان و مکان و برای محیط ورزشی لباسی که بتوان در آن تحرک کافی داشت طراحی کند.

اصول لباس پوشیدن هر فرد نمود خارجی شخصیت او و به تعبیری لباس انسان نشانه شخصیت اوست. رعایت اعتدال در لباس پوشیدن هر فردی باید لحاظ شود. لباس‌ها علاوه بر پوشاندن عیوب اندام باید قابل استفاده باشند و طرح‌ها علاوه بر بدیع بودن باید کاربردی و منطبق با فرهنگ و آداب ملی و بومی هر ملیتی و در حدود مذهبی و شرعی آن باشند.

ساده‌پوشی یکی از اصول اعتدال و شیک‌پوشی است. زمانی که طرح‌های ساده مد است، به برش‌ها و مدل‌های کاملاً دقیق‌تری نیاز است. لباس ساده با یک عیب کوچک مربوط به اندام از زیخت می‌افتد و شکل اصلی خود را از دست می‌دهد. رنگ و بافت پارچه دو عامل و دو جنبه اساسی در روند «مد» هستند که همراه با هم تأثیر گذارند. رنگ‌ها به مد لباس تنوع می‌بخشند. در هر فصل یک رنگ بر پوشش لباس مسلط می‌شود و اغلب نیز طرح و رنگ با شیوه‌های گوناگونی به جامعه تحمیل می‌شوند. بافت پارچه، طرح‌ها و کیفیت نقش آن، در همان نظر اول اثر مهمی بر جامی گذارد. گوناگونی در طرح و سطح پارچه، رقابت‌ها و ابتکارهای تازه‌ای در طراحی لباس و در بازار کار پدید می‌آورد. پارچه‌های جالب را که دوخت‌شان مشکل است می‌توان به دلیل کیفیت ظاهری و اهمیت بیشترشان به کمک گل‌دوزی یا چین‌دادن یا تکنیک‌های تزیینی دیگر زینت داد. شکل اساسی هر دوره «مد» ممکن است به‌طور ناگهانی یا به تدریج عوض شود و به بازار بیاید.

برش خوب «الگوی اولیه» اصل کار است. هنگامی که مدلی برای لباس انتخاب می‌شود دسوزی اصلی انطباق آن با سایزهای مختلف است، به طوری که اندام‌های پهن یا دراز سبب تغییر شکل لباس نشود، مثلاً یک خط در شکل یک لباس مدرن می‌تواند کاملاً نمایان یا محو شود، بدون آنکه شکل اصلی مدرن تغییر کند.

در مورد لباس‌های چندتکه باید گفت هر تکه باید طوری طراحی شود که سبب بهتر جلوه‌گردن

تکه دیگر شود و از مجموعه قطعات شکلی هماهنگ به وجود آید. در این حالت، هماهنگی هر لایه لباس با تمام آن بسیار مهم است. از جمله عواملی که بیش از هر چیز در طراحی لباس محدودیت ایجاد می‌کنند، قیمت و نحوه عرضه در بازار عمومی است. لباس باید از لحاظ زیبایی ظاهری طوری به نمایش گذاشته شود که مورد توجه قرار گیرد. غالباً لباس روی اندام زنده بسیار زیبا جلوه می‌کند.

از آنجا که موضوع لباس و معضلات آن در جامعه کنونی ما به وضوح مشاهده می‌شود و با توجه به مسئولیتی که در این خصوص متوجه طراحان لباس است، ما به چاره‌اندیشی در این پدیده واداشته شده‌ایم و در جهت رفع مشکل مصمم هستیم. از طرفی دیگر نیز برای تقویت بنیه علمی و کسب توانمندی‌های هر چه بیشتر در عرصه هنر برجسته طراحی اندام و لباس و مدبررسی و موضوع ضروری به نظر می‌رسد. اصولاً درک درست هنرهای بصری و ارتباطات تصویری و مداومت در انجام مطالعات و پژوهش‌ها و تمرین‌های فراوان تکمیلی در این مورد از وظایف اصلی هر کارشناس طراحی لباس است، چرا که با بالابردن شناخت و عمیق کردن دانش و کسب مهارت‌های لازم در این زمینه قادر خواهیم بود رشته عمل را به دست گرفته و بر مشکلات و معضلات کنونی در عرصه لباس و پوشش مسلط شویم و در جامعه و بازار کار، حرفه و تخصص مان را به کار ببندیم و به این ترتیب در مرتفع ساختن نیاز پوشاک جامعه اسلامی مان سهیم باشیم. امید است خداوند منان ما را در این تکلیف الهی یاری فرماید.

تحقیق و پژوهشی که در این اثر صورت گرفته به روش توصیفی/تحلیلی است که در آن سعی بر این بوده تا به «خط» که موضوع اصلی طراحی اندام و لباس است از زوایای مختلف نگریسته شود و بانگاهی تازه‌تر به درک بهتری از خط و توانایی‌های کاربردی اش در طراحی لباس برسیم و از طرفی نیز در ارتباط با علم و هنر طراحی پارچه و لباس علاوه بر توجه به بعد هنری آن با نگاهی علمی‌تر و جامع‌تر نگرش مان را به موضوع طراحی لباس و توجه به اندام‌های ویژه اندکی تعمیق بخشیم.

از آنجا که فراگیری اطلاعات و آگاهی‌های بنیادین در هر شاخه‌ای از علوم و هنر، قدرت درک، تحلیل و ارزیابی پدیده‌ها را ارتقاء می‌بخشد، از آزمون و خطا می‌کاهد، گام‌های حرکت و پیشرفت همه‌جانبه را سهل‌تر و سریع‌تر می‌کند، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و بهره‌وری و خلاقیت را به ارمغان می‌آورد، بنابراین پرداختن موشکافانه و جدی‌تر به مباحث نظری و پایه برای افراد جویای علم و فن در هر شاخه‌ای از علوم در جهت فهم بهتر پدیده‌ها امری ضروری

به نظر می‌رسد تا با تکیه بر آموزه‌های جامع‌تر و قوانین فراگیر و بنیادی، راهبردی بهتر جهت پیشرفت همه‌جانبه طراحی شود.

قوی‌ترین انگیزه نگارنده برای نگارش این اثر به چالش کشیدن آموخته‌هایم و دریافت بزرگ‌تری از کیفیت تحصیلم بوده تا آموخته‌هایم را محکی بزَنَم و با ارتقاء و اصلاح نگاهم به صنعت پوشاک و نیز درک نیاز جامعه‌ام به پوشاک رسمی منطبق بر شعائر دینی و ملی و نیز به در نظر گرفتن ایرادهای اندام‌شایع در میان زنان جامعه و با شرط رعایت جنبه‌های کاربردی و زیباشناسانه لباس در صدد چاره‌جویی برآیم و با همت و جهادی علمی من هم سهمی در پیشبرد هدف ارتقاء کیفیت پوشاک ملی داشته باشم و در جهت بهبود معضلات موجود در حیطه پوشاک بانوان سرزمینم خدمت اندکی کرده باشم.

مباحثی که در ده فصل به آن پرداخته‌ام مشتمل هستند بر: شناخت مبانی هنرهای تجسمی، شناخت انواع خطوط، ارتباط خط با سایر عناصر تجسمی، شناخت کیفیات بصری، شناخت تأثیر بصری خطوط، ارزش‌های خطی در لباس، شناخت رنگ و تأثیر آن در ارائه طرح لباس، شناخت اندام، دیگر اجزای لباس و تأثیرات آن بر اندام و مباحثی چون پارچه‌شناسی و چه بپوشیم، چه نپوشیم؟ ضمن تشکر از مسئولان محترم انستیتو تکنولوژی طراحی پارچه و لباس، دست‌اندرکاران دانشکده فنی دکترا شریعتی و استاد راهنمای عزیزم و با آرزوی پیشرفت علمی روزافزون برای دانشجویان و هنرجویان عزیزم در رشته طراحی پارچه و لباس، امید است این کتاب چراغ‌راهی هر چند کم‌سود راه‌تعالی دانشجویان باشد. همواره پیشنهادهای و انتقادهای شما خواننده عزیز افق‌های تازه و روشن‌تری پیش روی من ترسیم می‌کند.

باسپاس